

# جایگاه ویژه نبردهای نامتقارن

در دکترین دفاعی جمهوری اسلامی ایران



روزبه پارساپور

ماهانامه خلیج فارس و امنیت

مرکز مطالعات خلیج فارس

## چکیده

استقرار پایگاههای نظامی ناتو و ایالات متحده آمریکا در کشورهای اطراف ایران منجمله: بحرین، قطر، عربستان، امارات، افغانستان، عراق، قرقیزستان، اردن و... ضرورت تدوین استراتژی منظمی را جهت مقابله با این حمله وسیع به منطقه راهبردی خاورمیانه فراهم نموده است. جمهوری اسلامی ایران بنا به ماهیت وجودی خود به عنوان کشوری که در مرکز این منطقه حساس قرار دارد و این پایگاهها در اطراف آن مستقر شده است و همچنین بارها از سوی ایالات متحده تهدید به حمله نظامی شده است، موظف به دفاع از سرزمین و نظام جمهوری اسلامی و باورهای اعتقادی و ملی این کشور می باشد. ایالات متحده تنها در شش کشور عربی منطقه یعنی قطر، عربستان سعودی، کویت، بحرین، امارات و عمان بیست و یک پایگاه نظامی در اختیار دارد، برخی از آنان در حریم مرزهای ایران واقع می باشد و هم اکنون از بزرگترین مراکز تامین و تجهیز ارتش آمریکا در منطقه محسوب می شوند. پنتاگون پس از سال ۲۰۰۱ وجوه قابل توجهی را با هدف ساخت، تجهیز و گسترش پایگاههای نظامی زمینی و دریایی آمریکا در منطقه خاورمیانه و به ویژه در خلیج فارس و مناطق نزدیک به آن اختصاص داده است. این مساله در مطبوعات جهان همیشه با اغماض نگریسته می شود. ایران طی سه دهه گذشته با حضور نیروهای نظامی آمریکا در منطقه خاورمیانه و خلیج فارس مواجه بوده و از سوی دیگر به دلیل تحریمهای ناعادلانه از دسترسی به تسلیحات و تجهیزات نظامی مدرن روز دنیا منع شده است، لذا در تلاش است با بومی سازی تسلیحات نظامی و رسیدن به خودکفایی در بخش دفاعی و توسعه تواناییهای جنگی نامتقارن و قدرتمند، کمبود جنگ افزارها و فناوریهای نظامی خود را جبران و خنثی کند. در راستای همین سیاست های ضد ایرانی، ایالات متحده در تلاش بوده است که ایران را در محاصره نیروهای نظامی خود در منطقه خلیج فارس قرار بدهد و به همین جهت با استقرار پایگاههای دریایی و زمینی و هوایی و در اختیار گذاشتن پیشرفته ترین تسلیحات نظامی خود به همسایگان عرب جنوبی ایران این کشور را تابع نظرات خود نماید. متأسفانه کشورهای نفت خیزی که بزرگترین ناقضان حقوق بشر در جهان می باشند و در ردیف کشورهای مطلقه و ضد مردمی هستند چندین دهه از متحدین استراتژیک ایالات متحده بوده اند که با موج بیداری اسلامی در این کشورها زمزمه های سرنگونی سران فاسد این کشورها مهیا و زمینه استقرار حکومت های مردمی ایجاد شده است. جمهوری اسلامی ایران با قرار گرفتن در میان چنین همسایگانی و پس از ۳۳ سال از گذشت انقلاب اسلامی و با پشت سر نهادن یک جنگ خونین ۸ساله در حالی که به صورت پیوسته از سوی نیروهای فرا منطقه ای تهدید میشود استراتژی دفاعی خاصی را برای دفاع از خود سامان دهی کرده است. چنان که از قراین و شواهد استنتاج میشود دکترین دفاعی ایران در حال حاضر بر

مبنای ۴ رکن بازدارندگی راز امیز، گسترش جنگهای نامتقارن، ضربه متقابل موشکی و اجبار دشمن به جنگ زمینی استوار است. در این مقاله به صورت مختصر اهمیت نبردهای نامنظم را در دکترین دفاعی ایران مورد بحث قرار میدهیم.

**کلید واژه:** نبرد نامتقارن، عملیات چریکی، دکترین دفاعی ایران، استراتژی سپاه، جنگ افزار

### درآمد:

در جهان پر تلاطم کنونی امنیت و توانایی حفظ و دفاع از آن به یکی از پر رنگ ترین مسایل فراروی کشورهای مختلف بدل شده است و در این میان هر کشور با توجه به توانایی های جنگ افزاری، نیروی انسانی، توان اقتصادی، ویژگی های ژئوپولیتیک و مولفه های فرهنگی به تدوین و به کار گیری سبک ویژه ای از دکترین امنیت ملی در حوزه دفاعی میپردازد. امام خمینی(ره) با انقلاب اسلامی سال ۱۳۵۷، نظام دوقطبی خیر و شر را تبیین نمود، که در آن آمریکا قطب شر، و ایران قهرمان قطب خیر در جهان است. اقدامات ضدبشری آمریکا طی چند دهه گذشته به ویژه بر علیه ملت ایران یکی از مهم ترین عوامل تاثیرگذار در این تعیین مرز بشمار میرود. پس از وی امام خامنه ای راه وی را ادامه دادند و در همین راستا محمود احمدی نژاد ریاست جمهوری ایران نیز بر مواضع ضد بشری آمریکا در جهان تاکید دارد. لذا سه دهه فشار و تحریم و جنگ نرم حاصل این تقابل بشمار میرود. اما فشارهای آمریکا به تهران، تاکنون هیچ تغییری در سیاست خارجی این کشور ایجاد نکرده است. با اینهمه پس از واقعه ۱۱ سپتامبر علیرغم لشگرکشی کشورهای غربی به خاورمیانه قدرت منطقه ای ایران رشد صعودی پیدا کرده است و امروزه ایران به عنوان یکی از قدرتهای موشکی جهان و مهم ترین کشور در عرصه جنگهای نامتقارن بشمار میرود. این مسئله که چرا و به کدام دلیل بایستی در راه دفاع از آرمانهای یک کشور نبرد پارتیزانی را در پیش پرفت مقوله ای است که به مختصر به آن اشاره خواهد شد.

باتوجه به تحریمات سی سال گذشته، ایران بجای آنکه همه توان خود صرف افزایش توان نظامی کلاسیک و ایجاد عمق دفاعی بیشتر نماید، با تغییر تاکتیک بجای افزایش تلاش در جهت افزایش ظرفیتهای متعارف دفاعی، منجمله ایجاد نیروی هوایی مدرن و کار آمد، سیستم جامع هشدار دهنده رادار و تدارک دفاع ضد موشکی و همچنین نیروی دریایی کلاسیک مدرن، نقاط ضعف حریف را در منطقه و جهان شناسایی و تمام پتاسیل خود را معطوف نابودی این نقاط ضعف قرار داده است. بر مبنای این دکترین نظامی، جمهوری اسلامی ایران در کنار نبردهای کلاسیک زمینی، هوایی و دریایی، به ابزار و

شیوه های جنگ نامتقارن با ارتشهای کلاسیک مدرن رو کرده و نقاط آسیب پذیر حریف را در تیر رس خود قرا داده است. اتهام تلاش ایران برای دست یافتن به سلاحهای غیر متعارفی را در کنار تلاش برای تدارک ناوگان قایق های فوق تندرو موشک انداز در خلیج فارس میتوان در چهار چوب همین دکترین قرار داد. بموجب این استدلال، کشورهای ساحل جنوبی خلیج فارس در خانه ای شیشه ای زندگی میکنند که علیرغم خرید تسلیحات بیش از ۵۰ میلیارد دلاری از غرب در مقابل این رویکرد احتمالی در جنگ با ایران توان مقابله نخواهند داشت. آشکار است که ایران با وجود تحریم های پیش رو در جنگهای کلاسیک هوایی در مقابل برخی کشورهای منطقه منجمله عربستان سعودی که دارای بیش از ۴۰۰ هواپیمای جنگنده است از توانایی کمتری برخوردار است. از این ۴۰۰ جنگنده سعودی ها بیش از ۲۸۰ فروند همواره در شرایط حداکثر آمادگی برای عملیات بسر میبرند. عربستان دارای ۱۱۰ فروند هواپیمای تورنادو و ۱۶۰ فروند هواپیمای F15 در شرایط عملیاتی است. عمر متوسط این هواپیماها در حدود یک سوم هواپیماهای نظامی جمهوری اسلامی است. بعلاوه بحرین و امارات و عمان (دیگر اعضاء پیمان دفاعی خلیج فارس) بروی هم حدود ۱۳۰ فروند هواپیمای F16 آماده عملیات در اختیار دارند. امارات عربی مستقلا دارای ۶۲ هواپیمای میراژ ۲۰۰۰ فرانسوی است. کویت نیز دارای ۳۹ فروند هواپیمای F18 جنگنده است. (رادیو فرانسه، اوت ۲۰۱۰)

این تسلیحات مدرن در مقابل نبردهای نامتقارن جمهوری اسلامی میتواند کارایی خود را به سادگی از دست بدهد. از این رو استراتژی شلیک صدها فروند موشک از سوی ایران در دقایق اول جنگ به این پایگاه ها بهترین راهکار برای مقابله با این تسلیحات مدرن کشورهای عربی است. البته مقامات ایران همیشه به کشورهای عربی منطقه با رویکرد دوستی متقابل نگریسته اند، اما باتوجه به پیشینه خصومت تاریخی این کشورها با ایران که در جنگ با عراق نیز نمونه هایی از آن آشکار شد، نمی توان بروی چنین دوستی تاکید کامل داشت. لذا در صورت به مخاطره افتادن منافع ملی ایران در خلیج فارس و حمله نظامی به کشور نه تنها دومین منبع انرژی جهان صادرات خود از خلیج فارس را قطع خواهد کرد بلکه باقی شرکا و رقبای تجاری نفتی عرب خود را نیز باخود در این چالش بزرگ انرژی در جهان همراه خواهد ساخت. خلیج فارس امروزه با مستقر شدن بیش از یکصد ناو جنگی آمریکایی، انگلیسی، فرانسوی و... همچنین گشایش پایگاههای دریایی، هوایی و زمینی کشورهای مذکور در شیخ نشین های خلیج فارس به یکی از کانونهای بحران و محور تسلیحاتی جهان تبدیل شده است. چنین حضور گسترده شناورهای بیگانگان در یک دریای محدود هزاران کیلومتر، دورتر از مرزهای جغرافیایی این کشورها تنها نشان از اهداف استعماری و تسلط بر منابع انرژی غرب بر این منطقه دارد. تسلط و چپاول منابع نفتی خلیج فارس، حمایت از اسرائیل، گسترش بازار تسلیحاتی در قبال دریافت نفت، مهار قدرت روبه

رشد جمهوری اسلامی ایران در منطقه، تنها به دلیل پایه های سست مردمی و غیردموکراتیک این شیخ نشین ها و وابستگی شدید حکمرانان عرب به غرب موجب گردیده است که زمینه را جهت استقرار چندین کشور غربی در منطقه خاورمیانه مهیا سازد. (پارساپور، ۱۳۸۹، ص ۱۸)

از میان کشورهای حوزه خلیج فارس کویت شش پایگاه در اختیار نیروهای آمریکایی گذاشته است ، که علیرغم مساحت اندک خود بیشترین امکانات را در دسترس آمریکایی ها در منطقه قرار داده است . این پایگاه ها در شهرها و مناطق دوحا ، کابالز، آرنیجان ، احمد الجابر ( هوایی ) ، علی سالم ( هوایی ) و مینا الاحمدی ( دریایی ) قرار گرفته اند و در جریان حمله ی نیروهای آمریکا به عراق از یک نقش محوری در حمله و پشتیبانی نیروهای ارتش آمریکا برخوردار بودند . بعد از کویت ، قطر بیشترین پایگاه ها را در اختیار نیروهای ارتش آمریکا قرار داده است که تعداد آن ها تا قبل از جنگ عراق پنج پایگاه اعلام شده بود . این پایگاه های پنج گانه ی نظامی در سال های اخیر بارها و بارها از سوی ارتش آمریکا برای انجام مانورهای نظامی و همچنین حمله به عراق مورد استفاده قرار گرفتند . آخرین باری که این پایگاه ها به طور گسترده به فعالیت در آمدند به تابستان سال ۲۰۰۶ باز می گردد که در ماجرای جنگ سی و سه روزه ی حزب الله و اسرائیل بارها و بارها مقادیر کلانی از امکانات و تجهیزات نظامی را به اسرائیل منتقل کردند و عملا به مهم ترین مرکز پشتیبانی اسرائیل در خلیج فارس تبدیل شدند . اگرچه قطر نیروی هوایی ندارد لیکن دولت این کشور در سال ۱۹۹۶ اقدام به ساخت پایگاه هوایی العدید با هزینه ای بالغ بر یک میلیارد دلار کرد. هدف از این اقدام کاملا مشخص بود: «جذب ارتش آمریکا.» در سپتامبر سال ۲۰۰۱ میلادی روند فرود و پرواز هواپیماهای نظامی آمریکا از این پایگاه شروع شد و پیش از آن که سال ۲۰۰۲ میلادی شروع شود تانک ها، نیروهای زرهی، زاغه های مهمات، تجهیزات پیشرفته ارتباطی و سایر ادوات ارتش آمریکا به علاوه هزاران نیروی نظامی در این پایگاه و اطراف آن استقرار یافته بودند. دولت قطر در سال ۲۰۰۵ با اختصاص ۴۰۰ میلیون دلار مرکز فرماندهی و کنترل پیشرفته ای احداث کرد که با توجه به عدم پیش بینی نیروی هوایی در ارتش این کشور عملا توسط آمریکایی ها مدیریت می شود. دولت قطر به تنهایی بار مالی گسترش زیرساخت های نظامی ارتش آمریکا در این کشور را بر دوش نکشیده و پنتاگون هم طی یک دهه گذشته بودجه های کلانی را صرف گسترش و ارتقای تاسیسات نظامی قطر کرده است.

بحرین نیز چهار پایگاه نظامی را در خاک و جزایر خود به آمریکایی ها واگذار کرده است که از جمله ی آن ها می توان به پایگاه دریایی المنامه ، پایگاه لجستیکی المحرق و همچنین نقاطی که ناوهای یواس اس واشنگتن و یواس اس آبراهام لینکلن مستقر شده اند اشاره کرد . این پایگاه ها هم اکنون از مهمترین

پایگاه های آمریکا در منطقه ی خلیج فارس محسوب می شوند که در مواقع حساس از سوی نیروهای آمریکایی مورد استفاده قرار خواهند گرفت . عربستان سعودی با سه پایگاه ، عمان دو پایگاه و امارات با یک پایگاه هوایی در منطقه الظفره ، از دیگر پایگاه های مهم نظامی آمریکا در خلیج فارس محسوب می گردند که این توانایی را به آمریکایی ها بخشیده اند که در سراسر منطقه به گونه ای زنجیروار متحرک باشند و عملیات های نظامی این کشور را در منطقه ی خلیج فارس تحت پوشش قرار دهند . (فاریابی، ۱۳۸۷، ص ۲)

لذا نیروی دریایی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی ایران، یکی از نیروهایی است که در خلیج فارس به حالت آماده باش مستقر می باشد و آماده دفاع از کیان کشور و آرمانهای انقلاب اسلامی در برابر این هجمه سنگین پایگاههای نظامی آمریکا در حوزه خلیج فارس هنگام هرگونه تجاوزات احتمالی است. نیروی دریایی سپاه(ندسا) به پیشنهاد محسن رضایی و فرمان امام خمینی(ره) و به فرماندهی حسین عالیی در سال ۱۳۶۴ تشکیل شد و در زمان جنگ با شناورهای آمریکایی در خلیج فارس تجربه های مهمی برای خود اندوخته کرد. همچنین به سرعت با استراتژی قایقهای موشک انداز تندرو در عملیات های مختلف جنگ از جمله والفجر ۸ فتح اسکله الامیه و درگیری با نیروی دریایی آمریکا توسط نادر مهدوی در مهر ۱۳۶۶ و همچنین گشتهای پراکنده در خلیج فارس و تنگه هرمز آرام آرام به یک نیروی دریایی تاثیرگذار در منطقه تبدیل گشت. هم اکنون ندسا دارای قایق های فوق سریع کلاس عاشورا طارق و ذوالجناب موشک انداز می باشد که آماده برای نبردهای دریایی پارتیزانی با شناورهای بیگانه در خلیج فارس می باشد. فرماندهان سپاه بارها اعلام نموده است که برای هر شناور جنگی نیروهای متخاصم در خلیج فارس یکصد قایق موشک انداز تندرو که همزمان به سوی هدف حرکت میکنند در نظر گرفته شده است. بدون تردید نیروی دریایی سپاه که مسئولیت امنیت دریایی خلیج فارس را بر عهده دارد با ایدئولوژی و میراثی که از انقلاب اسلامی به یادگار دارد هرگز حضور نامشروع کشورهای متخاصم در اطراف آبهای ایران که در گذشته از هیچ اقدامی بر علیه کشورمان فروگذار نبوده اند را تاب و تحمل نمیکند و در صورت آغاز درگیری، این دریا را به کانون بحران های نظامی و جنگهای چریکی تبدیل خواهد نمود. استراتژی ندسا بر پایه استفاده از قایقهای تندرو و زیردریایی های کوچک انداز، موشک های ساحل به دریا، مین گذاری، عملیات کماندویی و چریکی و در صورت نیاز تخریب سکوها های نفتی کشورهای همسایه ای که بر علیه ایران اقدام نمایند، پی ریزی شده است. این که ادعا می شود سپاه پاسداران بزرگترین ارگان نظامی جهان است که همزمان توانایی اداره جنگهای کلاسیک و غیرکلاسیک را دارد اغراق نیست و چنین توانمندی در این نهاد جمهوری اسلامی دیده میشود.

روند اخیر ایران در توسعه و تولید تسلیحات و جنگ افزار نمایانگر اولویت های نامتقارن تشکیلات نظامی این کشور است. ایران اخیراً سلاح‌های بیشماری را برای تضعیف حضور آمریکا در خلیج فارس تولید کرده است که شامل موشک‌های ساحل به دریا، قایق‌های سریع‌السیر، هواپیماهای دوربرد بدون سرنشین، قایق‌های پرنده و خودروهای آبی خاکی می‌شود. در گزارشی دیگر که در ایران منتشر شد آمده است: نیروی دریایی ایران تصمیم به ایجاد سپر موشکی دفاعی در حدفاصل ۲۴۰۰ کیلومتری خط ساحلی ایران گرفته و از آن به عنوان یک استراتژی مناسب برای حفظ کشور از حمله دشمنان یاد کرده است. این در حالیست که هر یک از این سیستم‌ها مستقل از دیگری عمل خواهد کرد و به رادار مرکزی وابسته نیستند. دیگر پیشرفت‌های نیروی دریایی ایران جهت به چالش کشاندن حضور آمریکا در خلیج فارس، قایق‌های جنگی سریع‌السیر نوالفقار و سراج ۱ هستند که هر دو تولید انبوهی دارند و قابلیت پرتاب اژدر و موشک را نیز دارند. ایران در اوایل سال ۲۰۱۰ میلادی از هواپیماهای جنگی بدون سرنشین "کرار" و "رعد"، که برد آنها از هزار کیلومتر تجاوز می‌کند و می‌تواند با کنترل از راه دور اهداف مورد نظر را مورد اصابت قرار دهد، پردهبرداری کرد. (فارس، ۱۳۸۹، ص ۵)

### تعریف نبرد نامتقارن

نبرد نامتقارن تعاریف متعددی دارد و یکی از آن تعاریف عبارتست از رویارویی دو قدرت ناهم‌تراز و غیر متوازن که طرف ضعیف تر ضمن اجتناب از مواجهه با نقاط قوت طرف مقابل با تکیه بر عوامل قوت خود نقاط ضعف دشمن را مورد حمله قرار دهد. در این تعریف چند عنصر تعبیه شده است. طرف برتر در عین داشتن قدرت دارای نقاط ضعف خاصی است. شناسایی نقاط قوت و ضعف دشمن و شناسایی امکانات قابل افزایش جبهه خودی و تکیه بر آن امکانات و بهره‌گیری از تکنیک و تاکتیک و مسائل مختلف در این نبرد مجموعاً حاصل آن نبرد نامتقارن است. نمونه‌های زیادی را در گذشته و حال داشته‌ایم. در نبردهای صدر اسلام کاملاً این را مشاهده می‌کنیم که نوع تاکتیک‌ها و تکنیک‌ها و امکاناتی که در جبهه خودی بوده تقویت شده و زمینه پیروزی را علیرغم نابرابری و ناهم‌ترازی فراهم کرده است. (سعیدی، ۱۳۸۶، ص ۲)

## نمونه‌هایی از جنگ نامتقارن:

### نبردهای پارتیان

پس از فتح ایران به دست اسکندر مقدونی و مرگ او، ایران به سلوکوس سردار مقدونی رسید و رسماً کشور به اشغال نیروهای غربی درآمد؛ نخستین برخورد او با همسایگان ایران در مرزهای جنوب شرقی روی داد که نتیجه آن واگذاری بخش خاوری ایران به چاندرآگوپتا پادشاه هند از سلسله مائوریا بود. در حدود ۲۸۱ پیش از میلاد اقوام بربر (به گفته منابع یونانی) به شمال شرقی ایران یورش بردند و شماری از شهرها از جمله چند مهاجرنشین یونانی را ویران ساختند. نظام هلنیان واحد های پولی را تغییر و معماری های ایرانی را به سبک معماری مغرب زمین گرایش دادند. لذا آثار مخرب این اشغال در درازمدت بر پیکره کشور نمایان میشد. اشکانیان نخست روش جنگی سلوکیان را برای بیرون راندن این سلسله به کار بستند و پیاده‌نظام سنگین اسلحه و سواره‌نظامی مرتب پدید آوردند ولی به زودی این روش را کنار گذاشته و شیوه دیرینه پارتیزانی خود را به کار بردند. در این شیوه پیاده‌نظام تنها برای نبرد در بلندی‌ها استفاده می‌شد و سواره‌نظام نیروی اصلی سپاه را تشکیل می‌داد. سواره‌نظام اشکانی به نیزه‌داران سبک‌اسلحه و سواران سنگین‌اسلحه تقسیم می‌شدند. سواران سبک‌اسلحه ماهرترین تیراندازان زمان خود بودند. سواران سنگین‌اسلحه زرهی داشتند که سرتاپای ایشان را میپوشانید و اسبانشان نیز چنین زرهی داشتند. از آنها برای درهم شکستن صفوف دشمن و از سواران سبک‌اسلحه برای پشتیبانی و تیراندازی از دور استفاده می‌شد. شیوه مخصوص اشکانیان و به خصوص سواران سبک‌اسلحه ایشان شیوه جنگ و گریز بود.

### نبردهای صدر اسلام

در صدر اسلام جنگ‌ها و غزوات زیادی پیش آمد که در بسیاری از آنها پیروزی با جبهه اسلام بود. آیا این نبردها متقارن بود یا نامتقارن و چه عواملی باعث شد که پیامبر در نبردها پیروز شود؟ دلیل اصلی وارد شدن ضربه به لشکر اسلام در جنگ احد کاهش معنویت بود. چونکه آنها تارک نماز نشدند، از خط نبی مکرم اسلام خارج نشدند. بلکه فقط آن سنگر و سلسله مراتبی را که پیامبر فرموده بود این فرمان را اجرا کنید و این سنگر را حفظ کنید آن معبر ورودی و خروجی را نگهدارید، ولی آن عده که مسئولیت حفاظت آن معبر را برعهده داشتند، وقتی دیدند جبهه باطل عقب نشینی کرده و غنایم جنگی را بجای گذاشتند، گفتند: سهم ما چه می‌شود، در همین شرایط حساس بود که معنویت کاهش پیدا کرد و علاقه به دنیا جایگزین شد. کاهش معنویت در روحیه یک رزمنده در هنگام



مبارزه یعنی غافل شدن از مسئولیت سنگین و توجه داشتن به ظواهر دنیا می باشد و آن اینکه در وسط کار یک مرتبه یادش می افتد که سهم ما از این غنائم چه می شود؟ آن وقت بود که جبهه حق ضربه سنگینی خورد. با یک بررسی اجمالی آمار مقایسه ای سه جنگ صدر اسلام متوجه خواهید شد که وضعیت جبهه حق و باطل چگونه بوده است .

۱. جنگ بدر لشکر اسلام ۳۱۳ نفر، لشکر کفر ۱۰۰۰ نفر

۲. جنگ احد لشکر اسلام ۷۰۰ نفر لشکر کفر ۳۰۰۰ نفر

۳. جنگ خندق لشکر اسلام ۳۰۰۰ نفر لشکر کفر ده هزار نفر

به اضافه تجهیزات و امکاناتی که دشمن در اختیار داشته ، اما در همه نبردها پیروزی با جبهه اسلام بوده است . با مقداری تفاوتها و یا در بعضی جاها فراز و فرودهایی وجود داشته است . اینها نمونه هایی از تاریخچه نبردهای نامتقارن و مؤلفه هایی که در آن تاءثیرگذار است می باشد. (همان، ص ۴)

### جنگ آمریکا و ویتنام

مجموعه عملیات و درگیری های نظامی ای که از سال ۱۹۵۰ تا ۱۹۷۵ بین نیروهای ویتنام شمالی و جبهه ملی آزادی بخش ویتنام جنوبی معروف به «ویتکنگ» از یک سو، و نیروهای ویتنام جنوبی و متحدانش به ویژه ایالات متحده آمریکا از سوی دیگر رخ داد به نوعی جنگهای پارتیزانی یا نبردهای نامتقارن شناخته می شود. هدف ویتنام شمالی و ویتکنگها با تسلیحاتی نابرابر در مقابل آمریکا بیرون راندن نیروهای ایالات متحده و متحدانش از ویتنام و سرنگون کردن حکومت ویتنام جنوبی و ایجاد یک کشور واحد بود. تمام این هدفها پس از چندین سال نبرد نامنظم با آمریکا در پایان جنگ ویتنام تامین شد و کشوری که امروز جمهوری سوسیالیستی ویتنام نام دارد به وجود آمد.

### بیروت ۱۹۸۳

عملیات استشهادی علیه نظامیان آمریکایی در بیروت نمونه ای از جنگ نامتقارن است که طرف (به ظاهر ضعیف) با کمترین امکانات در حمله و تهاجم به طرف (به ظاهر قوی) با بیشترین توان نظامی، توانست با بهره گیری از نقاط ضعف دشمن، ضربه سهمگینی وارد کند. تفنگداران گردان ساحلی آمریکا آماج هدف قرار گرفتند و نتیجه استراتژیک آن خروج نیروهای آمریکایی از لبنان بود.

## فلسطین اشغالی

ارتش متجاوز رژیم اشغالگر قدس با همه تجهیزات و امکانات مدرن خود و با حمایت‌های اطلاعاتی \_ مالی آمریکا به جنگ مردمی رفته است که تنها سلاح آنها سنگ است. دختری شهادت‌طلب با عملیات استشهادی به جنگ تجهیزات و امکانات دشمن می‌رود. نتیجه استراتژیک آن راهبرد، پیروزی و تداوم مقاومت ملت فلسطین است.

## جنگ اول خلیج فارس

با توجه به توسعه میدان جنگ هشت‌ساله بین عراق و ایران از خشکی به ساحل و دریا و آماج هدف قرار گرفتن سکوه‌های نفتی جمهوری اسلامی، جنگ نفتکشها، برای هدف قرار دادن توان اقتصادی عراق در خلیج فارس آغاز شد. در اثنای جنگ نفتکشها، آمریکا در حمایت از کشور عراق، کشتی‌های نفتکش را تحت حمایت قرار داد و حتی در عبور از تنگه هرمز پرچم آنها را تعویض کرد. کشتی بریجتون با حضور ۲۵۰ خبرنگار خارجی برای پشتیبانی تبلیغی و عملیات روانی نخستین کشتی‌ای بود که از تنگه هرمز عبور کرد. زمانی که کشتی آمریکایی بریجتون منفجر شد در حقیقت قدرت نظامی آمریکا در افکار عمومی جهان ضربه خورد.

## جنگ ایران و عراق

از جمله جنگهای نامتقارن در دهه‌های اخیر جنگ ایران و عراق است که دشمن با استفاده از حداکثر منابع مادی و مالی ابرقدرت‌ها و استفاده فراوان از سلاح‌های نامتعارف و با توجه به نامتناسب بودن وضعیت نظامی ایران در مقابل عراق \_ که تحقق کامل ویژگی‌های جنگ نامتقارن بود \_ به ایران حمله کرد اما رزمندگان ایران توانستند با استفاده از روحیه شهادت‌طلبی، دشمن را شکست دهند.

## واشنگتن حادثه ۱۱ سپتامبر

صرف نظر از تحلیل‌های مختلف از چگونگی حادثه ۱۱ سپتامبر و تبعات آن، عملیات هوایی در قلب آمریکا با قدرت هوایی بالا که از جنگ جهانی دوم تاکنون آماج هدف قرار نگرفته بود، جنگی نامتقارن بود که مولفه‌های غافلگیری، خلاقیت و حداکثر بهره‌برداری از نقاط ضعف کشور هدف را، در خود پنهان داشت.

## ویژگی‌های جنگ نامتقارن

برای جنگ ناهمگون مثل هر درگیری دیگر، مشخصه‌ها و ویژگی‌هایی وجود دارد که می‌تواند به عنوان وجه افتراق و تفاوت در کاربرد و به کارگیری شیوه‌های مختلف آنان در نظر گرفته شود. این ویژگی‌ها در پی اهدافی که از نتایج جنگ ناهمگون متصور است شکل می‌گیرد و اساس آن هم برهم زدن موازنه عدم همگونی بین دو نیروی متخاصم ناهمگون در راستای بهره‌برداری راهبرد از قابلیت‌های تاکتیکی می‌باشد که ممکن است این رویکردها تاکتیکی باشد ولی باید تأثیر روانی آن را در سطح راهبردی جستجو کرد. این ویژگی یعنی تمرکز مداوم بر تأثیر راهبردی ویژگی اصلی و متمایز جنگ ناهمگون است. ( مکنزی، ۱۳۸۲، ص ۱۸)

- ۱\_ فقدان تناسب معمول نظامی بین دو جبهه درگیر؛
- ۲\_ تضاد منافع حیاتی دو جبهه؛
- ۳\_ بیشترین بهره‌برداری از نقاط ضعف دشمن در جبهه قوی و به حداکثر رساندن برتری‌های خودی در جبهه ضعیف؛
- ۴\_ توجه ویژه به ابعاد روانی، عمومی و بسیج نیروها؛ و
- ۵\_ دستیابی به اهداف راهبردی با استفاده از منابع کم و تأکید به اصل کمترین هزینه در مقابل بیشترین بهره.
- ۶- گسترش جبهه جنگ به منطقه کشور متجاوز و وسعت بخشیدن به حوزه درگیری
- ۷- پایان نامشخص جنگ از دیدگاه زمانی و مکانی و ایجاد رعب و وحشت در ذهن کشور متجاوز
- ۸- به چالش کشیدن امنیت ملی کشور متجاوز و بالطبع آن ضربه‌های اقتصادی و سیاسی به بدنه آن

به طور خلاصه از مهمترین ویژگی‌های جنگ‌های ناهمگون می‌توان به موارد ذیل اشاره کرد: تکرارپذیری، غافلگیرانه بودن (تاکتیکی و راهبردی)، غیرقابل پیش‌بینی بودن، صحنه نبرد مشخص نداشتن، نامشخصی و نامعینی جنگجویان، نداشتن ابزار و فناوری مشخص، داشتن فضای مانور زیاد، ضربه زدن دقیق عملیاتی، داشتن واحدهای اجرایی و رزمی کوچک. (دافوس، ص ۲۱)

## جنگ‌های ناهمگون در ایران از گذشته تاکنون

کشور ایران طی دویست سال گذشته بارها مورد یورش و تجاوز نیروهای مختلف منطقه ای و فرمانطقه ای قرار گرفته است. شدت تجاوزات به حدی است که تاریخ ایران، دویست سال گذشته خود را یکی از ننگین ترین دوران کشور ایران می‌داند. به برخی از این فجایع میتوان فهرست وار اشاره نمود: قرارداد

ننگین پاریس (۱۸۵۶ م.)، قرارداد ننگین ۱۲۹۹ م، قرارداد ننگین گلد اسمیت (۱۸۷۱ م.)، قرارداد ننگین گلستان (۱۸۱۳ م.)، قرارداد ننگین ترکمانچای (۱۸۲۸ م.)، قرارداد ننگین کنسرسیوم (۱۳۳۳ خ) و البته به این موارد بایستی تجاوزات مکرر روس و انگلیس، خسارتهای سنگین جنگ جهانی اول و دوم و همچنین تجاوز هشت ساله عراق را نیز افزود. لذا با دقت در مرزهای جغرافیایی ایران به سادگی میتوان پی برد که استعمار روس و انگلیس بیش از  $\frac{2}{3}$  از سرزمینهای ایران را اشغال نموده و ایران کنونی تنها  $\frac{1}{3}$  از کل حوزه ایران واقعی می باشد. چنین تاریخی تحمیلی را بی شک در کمتر کشوری از جهان میتوان یافت کرد. دکترین دفاعی ایران به خوبی واقف هستند که کوتاهی و ممانشات با جهان متجاوز غرب علیرغم روابط دیپلماتیک رایج میان کشورها، میتواند برگ تاریک دیگری را در کارنامه تاریخ معاصر ایران اسلامی رقم بزند. از این رو شعار "امنیت و صلح جهانی یا برای همه یا برای هیچ کس" را در دستور کار خود قرار داده اند. این امر به هیچ وجه قابل پذیرش نیست که چند کشور بزرگ صنعتی با صلح و آرامش زندگی کنند و سیر پیشرفت را طی کنند ولی در کشورهای دیگر جنگ افروزی و آتش راه بیاندازند و موجبات عقب ماندگی و سرخوردگی آنان را فراهم سازند و منابع طبیعی این کشورها را به غارت ببرند. مقابله با چنین تفکر استعماری نیازمند برابری و همگونی نظامی و دفاعی در برابر چنین اندیشه می باشد. از آنجاییکه جهان غرب آخرین تکنولوژی را برای خود محضوظ میدارند، لذا شیوه نوین دیگری در دفاع از کشور و باورهای عقیدتی در نظر گرفته شده است. در سالهای اخیر تئوری جنگ نامتقارن بیش از پیش در کانون توجه قرار گرفته و بسیاری از مباحث جاری در حوزه نظامی، از این مقوله تاثیر گرفته است. اغلب از اصطلاح نامتقارن برای توضیح مجموعه عوامل پیدا و پنهان در نبردهای آتی بین دو کشور غیر همپراز استفاده می شود. نمونه هایی از این جنگهای ناهمگون شامل نبردهای استشهادی ۱۹۸۳ بیروت، دفاع مردم فلسطین، جنگ اول خلیج فارس، جنگ ایران و عراق و حادثه ۱۱ سپتامبر می باشد. چریک یا پارتیزان معمولاً به اعضای گروههای نظامی اطلاق می شود که در گروههای کوچک و بصورت قابل انعطاف، نامنظم و بدون خط نبرد خاصی می جنگند.

جنگ نامتقارن جنگی نوظهوری نیست، زیرا پایه گذار نبردهای چریکی یا نامتقارن در جهان، ایرانیان می باشند زیرا در ۲۰۰۰ سال پیش در زمان حکومت پارتیان به جهت خروج کشور ایران از زیر سلطه نظام غربی هلنیان سربازان پارتی برای دفاع از کشورشان این استراتژی نامنظم را در پیش گرفتند. در مقابل نحوه عملکرد ارتشهای بزرگ جنگهای چریکی را جنگهای نامنظم می نامند که در اینجا واژه نامنظم به معنای بی قاعده و بی قانون نیست زیرا هر جنگ چریکی مبتنی بر مجموعه از از قوانین و تاکتیک هاست. در دوران معاصر افرادی چون ارنستو چه گوارا، کارلوس ماریگلا، مائو زدونگ،

وندل فرتیگ، رژی دبره، و نوین جیاب و چند تن دیگر را از شاخص‌ترین نظریه پردازان مبارزات چریکی می‌دانند. همچنین در زمان جنگ ایران و عراق دکتر مصطفی چمران و سردار مجتبی هاشمی از کسانی بودند که فرماندهی جنگ‌های نامنظم را عهده دار بودند. این شیوه در مقاطع مهمی باعث برتری نظامی ایران علیرغم ضعف جنگ افزاری نسبت به عراق شد.

هرچند مفهوم جنگ نامتقارن به تازگی در ادبیات نظامی راهبردی دنیا خصوصاً غرب و آمریکا وارد شده است ولی مطالعه کتابهای تاریخ جنگها نشان می‌دهد مفهوم جنگ نامتقارن ریشه در ادبیات کهن دفاعی دارد. مروری بر اندیشه‌های سن تزو در کتاب هنر جنگ و یا گفته‌های ماکیاول در کتاب خطابه‌ها نیز میتواند این ریشه‌ها را به خوبی نشان دهد. واژه نامتقارن معمولاً با واژه‌هایی همچون عدم تقارن، نامتعارف و یا نامتناسب مترادف و هم معنی می‌باشد. برخی از این مفاهیم چنین می‌باشد:

**عدم تقارن:** وقتی دو اردوگاه جنگی از لحاظ منابع انسانی و منابع مادی کاملاً یا نسبتاً معادله برابری ندارند به گونه‌ای که در يك طرف عنصر قوی و در طرف دیگر عنصر ضعیف قرار دارد، مفهوم عدم تقارن شکل می‌گیرد. اما موضوع نامتقارن و عدم تقارن با یکدیگر قابل جمع نیستند.

**نامتعارف:** هرچند امروزه واژه نامتعارف در مقوله سلاح‌های نامتعارف، مفهوم سلاح‌های استراتژیک را یافته است ولی واژه نامتعارف، مفهوم معمول و عادی نبودن را به ذهن تداعی می‌کند.

**نامتناسب:** شاید نزدیک‌ترین واژه به مفهوم نامتقارن باشد که به معنای فقدان تناسب معمول نظامی بین دو جبهه نبرد است. نامتناسب در منابع انسانی بین دو جبهه یا در منابع مادی دو طرف درگیر است ولی برداشت معمول در نامتناسب، نامناسب بودن را نیز به همراه دارد که با واژه نامتقارن سنخیتی ندارد. پدیده نامتقارن در بسیاری از پدیده‌های علمی جهان نیز مشاهده می‌شود حتی در تئوری‌های تشکیل جهان از دیدگاه فلسفه علم فیزیک ذرات، تئوری‌های میدان و حلقه و یا در مباحث تئوری‌های مولکولی ساختار مواد و نظریه کوانتوم نیز پدیده نامتقارن مطرح است. اسپین الکترونها در مکانیک کوانتوم هایز بزرگی نیز نوعی پدیده نامتقارن را در دنیای هسته اتم به نمایش می‌گذارد. (علوی فصلنامه عملیات روانی ۱۳۸۴)

در مفاهیم اسلامی و در تاریخ جنگ‌های صدر اسلام نیز به نوعی مفهوم جنگ نامتقارن دیده می‌شود. آیه مبارکه قرآن کریم «کم من فئه قلیله، غلبت فئه کثیره باذن الله» شاید بیانی از این مفهوم باشد. نص صریح قرآن کریم در آیات جنگ بدر، غلبه يك نفر از شما بر ۱۰ نفر و بعد پیروزی يك نفر به ۳ نفر از دشمن، نیز از همین مبحث است. در زمانی که دشمنان پیامبر با همه امکانات و تجهیزات رزمی زمان

خود به مقابله با اسلام پرداختند، یاران رسول الله(ص) با تجهیزات اندک ولی روحیه و انگیزه سرشار از ایمان به خدا و یقین به آخرت و روحیه شهادت‌طلبی توانستند اسلام را تا دروازه‌های تمدن روم هدایت کنند.

قرآن کریم بنیاد اندیشه نظامی و هرگونه اقدام و حرکت نظامی را بر مبنای حفظ و بقای جان و مال، حقوق و آزادی‌های اساسی انسان و حراست از ایمان و عقیده او قرار می‌دهد. به عبارت دیگر در بُعد نظامی، حرکتی از نظر قرآن و اسلام تائید شده است که حالت دفاعی و تدافعی داشته باشد و نه تعدی به دیگر کشورها را سفارش کند. حال این حالت دفاعی، یا دفاع از عقیده و ایمان و جان و متعلقات انسان است(جهاد دفاعی) و یا دفاع از آزادی بشر و حقوق انسانی که در واقع تجویز کننده جهاد رهایی بخش می‌باشد. بنابراین برخلاف برخی تعاریف، جهاد رهایی بخش نیز خود نوعی دفاع است که برای حفظ حقوق و آزادی نوع بشر و با هدف دفاع از مرزهای عقیدتی مسلمین انجام می‌گیرد. خداوند در آیه ۱۹۰ سوره بقره نیز می‌فرماید:

«وَقَاتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ الَّذِينَ يقاتِلُونَكُمْ وَلَا تَعْتَدُوا إِنَّ لَهُمْ لَ عَذَابًا مُّهِينًا»

«در راه خدا با آنان که به جنگ و دشمنی شما برخیزند جهاد کنید لیکن ستمکار نباشید که خدا ستمگر را دوست ندارد»

همچنین در آیه ۶۰ سوره انفال می‌فرماید:

«وَأَعِدُّوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ وَمِنْ رِبَاطِ الْخَيْلِ تُرْهَبُونَ بِهِ عَدُوًّا... وَ عَدُوِّكُمْ وَ آخِرِينَ مِنْ دُونِهِمْ...»  
«و هر آنچه در توان دارید برای [مقابله] با ایشان [دشمن] نیرو و اسبان یراق کرده [مجهز] فراهم آورید تا مگر این سان دشمن خدا و خویشان را مرعوب سازید».

با بررسی آیات قرآن آشکار می‌گردد که در اسلام ماهیت جنگ و متوسل شدن به هر نوع اقدام نظامی صرفاً اقدامی تدافعی است و در واقع مشروعیت جنگ و جهاد در اسلام منوط به تدافعی بودن آن می‌باشد و طبعاً تا تجاوزی صورت نگرفته باشد، «دفاع» معنا و مفهومی نخواهد داشت. ملاحظه در این اصل نشان می‌دهد که در اسلام اولویت با صلح است و اگر رقیب نیز به هر دلیل نخواهد آغازگر جنگ باشد، به کلی جنگ منتفی می‌شود و مسائل و مشکلات از طریق به غیر از درگیری نظامی مرتفع خواهد شد. این نوع نگاه به جنگ و جهاد در اسلام حکایت از نوعی حکمت، تعقل و بلند نظری آن دارد. به همین جهت داکترین نظامی را اصول، آئین، خط مشی کلی و افکار و عقاید نظامی يك جامعه و

سازمان نظامی دانستیم که در واقع تعیین کننده مسیر حرکت و خطوط راهنمای راهبرد نظامی آن جامعه به شمار می رود. حال با در نظر گرفتن این تعریف مفهومی از داکترین نظامی اگر بخواهیم چهارچوب کلی داکترین نظام اسلامی را مشخص نماییم برجسته ترین ابعاد اندیشه نظامی اسلام قابل طرح و بررسی خواهند بود.

برابر آنچه که از آیات مطرح شد و دقت در روایات و سیره ائمه معصومین و برخی از اندیشمندان مسلمان، دفاع در برابر تعدی و تجاوز نظامی بیگانه به حدود قلمرو جامعه اسلامی در زمره نخستین و مهمترین اولویت دفاعی اسلام به شمار می رود. همین اهمیت و توجه موجب می گردد تا تدافعی بودن جنگ و اقدام نظامی در مرکز ثقل داکترین نظامی اسلام قرار بگیرد. اهمیت و جایگاه این موضوع در اسلام به اندازه ای است که خداوند مشروعیت هر گونه جنگ و جهاد و هر اقدام نظامی را منوط به تدافعی بودن آن نموده و مسلمانان را از کوچک ترین تجاوز و تعدی به حریم جغرافیایی دیگران بازداشته است. لذا در اسلام متوسل شدن به قوه قهریه در برابر کشورهای دیگر اقدامی پسینی تلقی می گردد و تا زمانی که تجاوزی رخ نداده باشد، جنگ و یا دست بردن بر ابزار نظامی، جایگاهی در سیاست خارجی کشور اسلامی نخواهد داشت؛ ولی با حادث شدن نخستین بارقه های تجاوز نظامی خارجی علیه جامعه اسلامی، دفاع به امری لازم و حتی در مرحله ای بالاتر به عنوان یک وظیفه شرعی واجب تبدیل می گردد. در چنین شرایطی است که انگیزه و عمل به فریضه جهاد (با هدف انجام یک واجب شرعی) در راه خدا به والاترین جایگاه و مرتبه نزد خداوند تبدیل می گردد و در صورت کشته شدن در این راه، عامل به جهاد (شهید) محبوب ترین انسان در درگاه خداوند قلمداد می شود. در کنار ضرورت دفاع و مقابله با تجاوز خارجی آنچه که اهمیت پیدا می کند، موضوع کسب و حفظ و افزایش آمادگی رزمی در برابر تهدیدات نظامی خارجی است، چراکه امروزه بدون سازماندهی، برنامه ریزی منسجم و حساب شده بر مبنای ابعاد و اشکال تهدیدات نظامی، دفاع در برابر تجاوز امری غیر ممکن خواهد بود. به عبارت دیگر، اصل دفاع و رویکرد دفاعی اسلام به جنگ در شرایطی می تواند در صحنه عمل کارآمدی و کارآیی مؤثر خود را به منصفه ظهور برساند که نیروهای مسلح و سازمان دفاعی جامعه اسلامی در شرایط مختلف زمانی و مکانی و بر اساس شکل و ماهیت تهدیدات نظامی خارجی، تدارک مناسب تسلیحاتی، تجهیزاتی، نیروی انسانی مورد نیاز، آموزش متناسب با تهدیدات، اتخاذ روش ها و شیوه های دفاع در برابر ابعاد مختلف تجاوز نظامی و... را دیده باشد. توجه به این امر که در قالب اصل بسیج رزمی و تدارک تسلیحات و تجهیزات و همچنین اصل احتیاط و هوشیاری اندیشه نظامی اسلام قرار دارد، در شکل تکامل یافته خود به اصل بازدارندگی دفاعی تبدیل می گردد. در واقع ایجاد شرایط مطمئن بازدارندگی در زمان صلح را، که امروزه بحثی مهم و تعیین کننده در هر نظام دفاعی و

امنیتی کارآمد می باشد - باید مکمل دفاعی بودن جنگ و هر گونه اقدام نظامی در اندیشه نظامی اسلام به شمار آورد، چرا که بدون ایجاد زمینه مناسب برای دفاع در زمان صلح، امکان دفاع در برابر تجاوز خارجی متصور نخواهد بود. (آجرلو، ۱۳۸۸)

### پایه های استراتژیکی نبرد

همواره در هنگام آغاز یک درگیری، دوطرف نیروهایی مانند یکدیگر را به خدمت می گیرند و طرفی که نیروهایی بیشتر و بهتر دارد، فاتح نبرد می شود. ممکن است یکی از طرفین جنگ حساب کند که بهایی که باید برای جنگ بپردازد، بیش از مزیتهایی است که در اثر پیروزی به دست می آورد. در اینجا امتیازی برای ورود او به درگیری نظامی وجود ندارد. در این صورت او مجبور می شود تظاهر کند که نیروهای بالقوه اش از جنگ ترسیده اند و یا با گزینه های بدون درگیری موافقت خواهد کرد. زمانی که دو طرف نیروهایی از جنس هم را وارد کارزار می کند، می توان آن طرف را که تعداد کاملاً بیشتری نیرو دارد و یا فرماندهی و کنترل بهتری را بر نیروهایش اعمال می کند، پیروز میدان دانست. اما این امر همواره صادق نیست چرا که هر دو طرف از استراتژی هایی بهره گیری می کنند تا برای طرف دیگر استفاده موثر از نیروهایش را غیرممکن سازند. نمونه ای از این وضعیت را می توان در ستیزه بین نیروی زمینی متعارف فرانسه در مقابل نیروی دریایی سلطنتی بریتانیا در طی انقلاب فرانسه و جنگهای دوران ناپلئون دانست. دریاسالار جرویس در نبردهای سال ۱۸۰۱ بیان می کند: "سرورمن! من نمی گویم که فرانسوی ها نخواهند آمد. بلکه می گویم آنها از طریق دریا نخواهد آمد".

### پایه های تاکتیکی

موفقیت در جنگ نامتقارن حداقل به عوامل زیر بستگی دارد:

- یک طرف می تواند نسبت به حریفش هم برتری تکنولوژیکی و هم برتری در تعداد داشته باشد. نمونه آن قطعی بودن برتری کمان داران ولزی در نبرد آگینکورت می باشد. ممکن است برتری از نوع دیگری باشد. مثلاً برتری عددی بیکران نیروهای چینی در طی جنگ کره که برتری تکنولوژیکی نیروهای ملل متحد را در خود مستحیل کرده بود.
- آموزش و تاکتیکها به همان اندازه تکنولوژی می توانند برتری بیاورند و اجازه دهند تا نیرویی کوچکتر بر نیروی بسیار بزرگتر از خود فائق آیند. برای مثال می توان به برتری پیاده نظام سنگین اسلحه یونان باستان -فالانکس- اشاره کرد که توانستند در نبرد ماراتن، بر سپاهیان خشایارشا پیروز گردند.



- اگر قدرت درجه دوم در حالت دفاع از خود قرار داشته باشد، تحت حمله و یا درحال اشغال شدن باشد ممکن است که از تاکتیکهای غیرمتعارف استفاده کند. نیروی ضعیف تر می تواند از تاکتیک بزن ، دررو استفاده کند یا میدانی را به نیروی برتر تحمیل کند که در آن میدان، نیروی برتر ضعیفتر عمل کند و بدون اینکه از قوانین جنگ سرپیچی کند آنها را به ستوه آورد. نمونه این گونه نبردها، نبرد مجاهدین افغانی در برابر نیروهای ارتش سرخ مسکو بود. مخصوصا سردار بزرگ افغان احمد شاه مسعود در جایی موضع گرفته بود -دره پنجشیر- که ارتش سرخ هیچگاه نتوانست کنترل آنجا را به طور کامل در دست گیرد .

- اگر نیروهای ضعیفتر در وضعیتی هجومی هستند، به هرحال می توانند به سمت استفاده از تاکتیکهایی که توسط قوانین جنگی منع شده اند بروند. موفقیت این تاکتیکها بستگی دارد به قدرت غافلگیری که از اینگونه تاکتیکها ناشی می شود. برای نمونه، طبق قوانین جنگ برای حمله و یا کمین کردن نمی توان از ماشینهایی که دارای نشان آمبولانس و یا صلیب سرخ هستند استفاده کرد. اما در یک نبرد نامتقارن ممکن است یکی از طرفین از این ماشینها برای غافلگیرکردن نیروهای دشمن استفاده کند. همچنین قوانین جنگی استفاده از مجتمعا، جمعیتها و تسهیلات غیرنظامی را به عنوان پایگاه نظامی منع کرده اند. اگر نیروی ضعیفتر بخواهد از این تاکتیکهای استفاده کند بستگی دارد به اینکه نیروی برتر چقدر به این قانون پایبند باشد و از حمله به اهداف غیرنظامی خودداری کند. در اغلب درگیریهای چریکی مشاهده می شود که چریکها در لباس مردم عادی وارد نبرد می شوند. نمونه تاریخی آن نبرد عید تت است که چیزی مانده بود سایگون به دست چریکهای ویت کونگ سقوط کند. ویت کونگها ادوات جنگی خود را در میان گاریهای کشاورزی و خورجین دوچرخه و موتورسیکلت وارد سایگون کردند.

#### استفاده از عوارض زمین در نبرد نامتقارن

وقتی که نیروی کوچکتر می خواهد مانع نیروی بزرگتر شود، عوارض زمین می تواند نیروی کوچک را چندبرابر کند . اینچنین عوارضی را عوارض سخت می نامند. برای مثال، در تاکتیک همواره به جنگهای پارتیزانی استناد می کنند که اغلب توسط طرف ضعیفتر به عنوان نبردمتقارن استفاده می شود. هر دو طرف درگیر، ممکن است به یک جمعیت دوستانه تکیه کنند تا آنوقه و اطلاعات و عوارض سخت برای پوشش و فرار به دست آورند. جمعیت و عوارض زمین، اغلب برای نیروهای محلی شناخته شده هستند. آنها از جمعیت و عوارض زمین برای مقابله با ارتشهای متعارف استفاده می

کند و نیروهایشان را برای عملیاتهایشان بدین طریق تغذیه می کنند. استفاده از تاکتیکهای نامتقارن توسط نیروهای خارجی اغلب به عملیات شناسایی گسترده نیاز دارد تا بتوانند از مشخصات عوارض زمینی آگاه شوند. برای مثال می توان به نبرد سرویس ویژه هوایر بریتانیا در دهه پنجاه در مالایا اشاره کرد. تیمهای کوچک سرویس ویژه هوایر بدون پشتیبانی نیروهای متعارف وارد جنگلهای انبوه منطقه مالایا می شدند و با تقلید از شیوه زندگی چریکهای کمونیست در جنگل به شکار آنها می پرداختند. آنها مانند نیروهای متعارف نظامی به خطوط مواصلاتی، سلسله فرماندهی عالی خارج از میدان و دیگر ملزومات نبردهای متعارف وابسته نبودند.

نیروی کمتر، اغلب در سرزمینهایی -مانند نواحی کوهستانی و جنگلی- عملیات می کند که پوشش و اختفای زیادی برایشان تهیه می کنند. این تاکتیک بر علیه نیروهای بزرگ نسبتاً بی تحرک در اینگونه عوارض، باعث برتری می شود. نمونه این جنگ را می توان در انقلاب کوبا دید که با یاری دهقانان و در پوشش جنگلی کوبا به دست آمد. در نواحی شهری آنها می توانند خود را در میان جمعیت پنهان کنند و این امر اغلب بستگی دارد به پایگاه های تدارکاتی که مردم برایشان تهیه می کنند.

مائو: "پارتیزان باید در میدان مردم حرکت کند همانگونه که ماهی در دریا شنا می کند".

### **نبرد نامتقارن و سفسطه تروریسم**

دو تعبیر از رابطه بین تروریسم و نبرد نامتقارن وجود دارد. در تعریف اولی نبرد نامتقارن را مترادف تروریسم می دانند و اعتقاد دارند طرف ضعیفتر از اعمال تروریستی مانند قتل و بمبگذاری چونان تاکتیکی نامتقارن استفاده می کند تا بتواند بر نیروی بزرگتر غلبه کند. اغلب این کلمه توسط اشغالگران صهیونیستی و آمریکایی بر علیه پارتیزانهای بکار می رود که می خواهند کشور خود را آزاد کنند. بدین طریق با استفاده از مفهوم تحقیرآمیز کلمه تروریست، اشغالگران می خواهند که به اهداف تبلیغاتی خود برسند. البته تا حد ممکن بایستی از روی آوردن به نبردهای نامتقارنی که به نبرد داخلی و قومی در یک کشور بیانجامد پرهیز نمود زیرا میتواند هزینه های سنگینی و جبران ناپذیری را بر دوش یک ملت وارد نماید و این گزینه باید آخرین گزینه پس از هجوم یک کشور قدرتمند به کشوری که از توان نظامی کمتری نسبت به آن کشور برخوردار است مد نظر قرار بگیرد. برای نمونه، اسرائیلی ها همواره از حزب الله لبنان نه به عنوان یک نیروی مقاومت بلکه به عنوان یک گروه تروریستی یاد می کنند. این درحالیست که نظام ناعادلانه جهانی بر پایه زور و قدرت نامشروع استوار شده است و نه بر پایه فرهنگ کهن ملتها و انسانیت و ایمان به خدا. لذا کشوری مانند ایران که از یکسو تسلیحات مدرن روز دنیا را در دسترس ندارد و از سوی دیگر هجمه سنگین تهاجمات سیاسی و اقتصادی و فرهنگی را بر

علیه کشورش طی سالهای گذشته شاهد بوده است رویکرد دفاع نامتقارن را در صورت تجاوزات احتمالی در پیش میگیرد.

در تعریف دوم می گویند که نبرد نامتقارن معادل دقیق تروریسم نیست چراکه گاهی نیروی قویتر برای در هم شکستن اراده و روحیه طرف ضعیفتر ممکن است دست به اعمال تروریست بزند. مثال هر دو مورد را می توان در قضیه اسرائیل دید. در مورد اول هنگامی که هنوز فلسطین تحت الحمایه انگلیس بود، صهیونیستها برای فشار بر انگلیسی ها دست به اعمال تروریست می زدند و حتی سازمان ایرگون (تحت فرمان بگین) ۲ سرباز انگلیسی را شبانه دار زد و جنازه آنها را در خیابان آویخت تا با ایجاد فشار روانی توسط اعمال تروریستی بتوانند بریتانیا را راضی به ترک فلسطین کنند. اما زمانی که صهیونیستها به قدرت هم رسیدند و بر فلسطینی ها -از نظر نیروی نظامی متعارف- برتری داشتند به اعمال تروریستی خود ادامه دادند. نمونه های فعلی آن حمله های موشکی توسط هلیکوپتر به ماشینهای فعالان فلسطینی و یا ربودن آنان توسط تیمهای کوماندویی است. در گذشته نیز برای از بین بردن روحیه فلسطینی ها از ترور استفاده می شد که کشتارهای وسیع در دهکده های کفرقاسم و تل زعتر نمونه هایی از آن می باشند.

اما نمونه تاریخی تروریسم را باید در مغولها جستجو کرد. شهرت درندگی مغولهای از خود آنها سریعتر حرکت می کرد به گونه ای که با رسیدن به پای دیوارهای شهرها، اغلب آنها با کمترین مقاومتی تسلیم می شدند چرا که آوازه ددمنشی مغولان انگیزه دفاعی مردم شهر را نابود می کرد. این تاکتیک جنگ روانی در قرن بیستم به خوبی توسط طالبان ادر افغانستان تقلیدشد. طالبان با تکیه بر وحشت افکنی بین مردم شهرهایی که می گرفتند در حقیقت به مردم دیگر شهرها نیز پیام می دادند و با این روشهای ددمنشانه توانستند در اندک زمانی از تفرقه بین نیروهای مجاهدین افغانی سود برده و تمام افغانستان را تسخیرکنند. (ویکیپدیا انگلیسی)

## نتیجه‌گیری:

جنگ نقطه پایان دیپلماسی و گفت‌وگوهای سیاسی میان دو یا چند کشور بشمار میرود، اما با اینهمه جنگ و صلح بخش قابل توجهی از تاریخ زندگی بشر را از آغاز تاکنون تشکیل داده است. این امر به ویژه در زمانی بیش از پیش هویدا می‌گردد که چند کشور قدرتمند بر علیه یک کشور متحد شوند و قصد یورش به منافع ملی و آرمانهای اعتقادی و تمامیت ارضی آن کشور را در ذهن پرورش دهند. اتخاذ چنین رویکردی استعماری موجب گردیده است برخی کشورها در برابر سیاست‌های دولت هژمونیک به ویژه آمریکایی ایستادگی کنند. از سوی دیگر، زمانی که مداخله‌گرایی گسترش می‌یابد، کشورها تلاش می‌کنند تا در برابر سیاست‌های مداخله‌جویانه قدرت برتر، جلوه‌هایی از مقاومت‌گرایی و چالش‌سازی را ایجاد کنند. چنین روندی، هم‌اکنون در سیاست بین‌الملل شکل گرفته است. نظم‌های منطقه‌ای دچار بی‌ثباتی گردیده‌اند و انقلاب‌های منطقه‌ای حاصل این همبستگی دیرینه غرب با دیکتاتورهای ضد مردمی این کشورها بوده است. جمهوری اسلامی ایران به عنوان کشوری که از بطن تاریخ برخاسته و شاهد سهمگین‌ترین یورش‌ها در طول تاریخ بوده است، با اندیشه‌های شیعی که پرچمدار حق‌طلبی در جهان بشمار میرود امروزه بر این باور رسیده است که نه تنها سازمان‌های بین‌المللی توان اداره نظم جهانی را نداشته بلکه بسیاری از این سازمانها زیر سلطه چند کشور بزرگ و بر اساس مصلحت‌آنان پی‌ریزی شده است. امروز آنچه ما داریم و با دشمن هم‌تراز نیست و توان ما را افزایش می‌دهد عنصر معنویت است. در فرایند تحقق معنویت، آموزش فراگیر نخستین مرحله است و با اجرای آموزش دانش و معرفت دینی فرد افزایش می‌یابد و وقتی دانش عقیدتی او عمق پیدا کرد تبدیل می‌شود به ایمان و در جان فرد نفوذ کرده و در کلام او بروز می‌کند و بعد هم در اعضا و جوارح او متجلی می‌گردد و افراد این‌گونه مومن و متدین می‌شوند. لذا جمهوری اسلامی ایران در برابر قدرتهای نامشروعی که اندیشه باطل تعدی به کشور را در سر میپوراندند و تهدیدات خود را پیوسته بر علیه ایران برنامه‌ریزی میکنند استراتژی نبردهای نامتقارن را با الگو گرفتن از آرمانهای دینی و اعتقادی و با رویکردی دقیق در جهت نظریه‌های دکترین دفاعی کشور هدایت و رهبری میکند. ایران در حقیقت نبرد نامتقارن و استفاده از هم‌پیمانان خود در دیگر کشورها را برای به ستوه آوردن و تضعیف نیروهای آمریکایی در مناطق جنگی و بی‌ثبات کردن کشورهایی که آمریکا قصد نفوذ و تأثیرگذاری در آنها دارد، در دستور کار قرار داده است. توسعه جنگ افزارها و سیستم‌های کم‌هزینه و زرهی سبک و بدون فناوری‌های پیچیده نظیر قایق‌های زرهی سریع‌السیر و هواپیماهای دریایی در راستای مقابله با قدرت آمریکا در آب‌های مجاور ایران به صورت تاکتیک‌های هجومی است و گزینه مناسبی برای هدف قرار دادن منافع اقتصادی آمریکا در خلیج فارس مانند کشتی‌های نفت‌کش و دیگر کشتی‌های تجاری هستند. استراتژی سپاه در خلیج فارس مرکز حضور نیروهای متخاصم به عنوان ارگانی نظامی بر پایه

اعتقادات دینی بر استفاده از قایق‌های تندرو و زیردریایی‌های کوچک که حدود ۱۲۰ تن وزن دارد، موشک‌های ساحل به دریا، مین‌گذاری، عملیات کماندویی پی ریزی شده است لذا این پتانسیل نظامی نبایستی محدود به منطقه باشد و توسعه برد سلاح‌های ایران باتوجه به حمله سنگین بیگانگان بایستی فراتر از مرزهای اروپا را طی نماید تا به عنوان ابزاری تدافعی مورد استفاده قرار گیرد.

### منابع و ماخذ:

- ۱- تقی زاده رضا، ۲۰ اوت ۲۰۱۰، ارزیابی توان نظامی ایران و کشور های عرب در خلیج فارس، رادیو فرانسه.
- ۲- فاریابی نجیب الله، ۱۳۸۷، پایگاه های نظامی آمریکا در منطقه ی خلیج فارس و آسیب پذیری های احتمالی.
- ۳- مکنزی، ۱۳۸۲، جنگ نامتقارن، ترجمه عبدالمجیدی و محمد تمنایی، انتشارات دوره عالی جنگ سپاه.
- ۴- خبرگزاری فارس، ۱۳۸۹، نبرد نامتقارن؛ راهبرد ایران برای شکست نظامی آمریکا .
- ۵- دافوس آجا، مقدمه‌ای بر جنگ غیرمتراز، انتشارات دانشکده فرماندهی و ستاد آجا، ص ۲۱.
- ۶- سعیدی علی، ۱۳۸۶، معنویت رکن نبرد نامتقارن، پژوهشکده تحقیقات اسلامی.
- ۷- موحد علوی علی‌رضا، ۱۳۸۴ جنگ نامتقارن و مولفه‌های فرهنگی و روانی، فصلنامه عملیات روانی.
- ۸- آجرلو علی، ۱۳۸۸، نگاهی به اندیشه و فلسفه جنگ در اسلام.
- ۹- ویکی پدیا انگلیسی، مترجم رضا کیانی موحد، نبرد نامتقارن.
- ۱۰- پارساپور روزبه، ۱۳۸۹، ایران و جنگی فرامنطقه ای، مرکز مطالعات خلیج فارس.